

وحدت اسلامی؛ مبانی و ضرورتها

محمود اصغری

چکیده

تلاش برای وحدت امت اسلامی و هم‌بستگی در بین آنها و گسترش توان‌مندهای آنها در این جهت، نه تنها از برترین آرمان‌های دینی و عمل به فرامین الهی است، بلکه از ضرورت‌های زمانه نیز به شمار می‌آید، که عقل پیوند عمیقی را میان آن و کرامت و عظمت امت اسلامی می‌بیند. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که: «آیا دینی که خود مبلغ و مشوق خیر و نیکی، اتحاد و اتفاق، صلح و صفا، بردباری و گذشت نسبت به پیروان سایر ادیان الهی می‌باشد؛ برای پیروان خود می‌پذیرد که دچار تفرقه و تشتت، بدبینی و سوء تفاهم، درگیری و نزاع، تحقیر و تضعیف یکدیگر باشند؟»

حداقل به دو دلیل مبنایی می‌توان گفت پاسخ به این پرسش منفی است، زیرا هم بر مبنای ادله‌ی برون دینی، مانند عقل و عرف و هم بر مبنای ادله‌ی درون

دینی، مانند آیات و روایات، نمی‌توان پذیرای تفرقه و جدایی بود.
واژگان کلیدی: وحدت، امت اسلامی، عقل و عرف، قرآن، ضرورت.

مقدمه

وحدت اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که هر مسلمان آزاده‌ای، از صدر اسلام تا کنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. در این باره در متن منابع اصیل اسلامی، به خصوص در قرآن کریم، واژه‌هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. اما این که «چرا در عمل چنین وحدتی تحقق نمی‌یابد؟»، پرسشی تأمل برانگیز است.

بی‌تردید منابع عظیم و گوناگون ثروتی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد، سبب شده است که برای غارت و چپاول این ثروت، گردن‌ها به سوی این سرزمین‌ها کشیده شود، و جنگ و نزاع را در این سرزمین‌ها شعله‌ور سازد، و مسلمین را درگیر فتنه‌های گوناگون کند.

بی‌جهت نیست که کشورهای اسلامی با وجود داشتن چنین منابع و ذخایر غنی، به گونه‌ای که بیش از نیمی از ذخایر نفت و گاز جهان در این کشورها قرار دارد، از لحاظ توسعه‌ی انسانی در میان دیگر کشورهای جهان وضعیت مناسبی ندارند. بسیاری از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در این کشورها نامطلوب و پایین‌تر از استانداردهای جهانی است، به گونه‌ای که فقر و بی‌سوادی، نابرابری اجتماعی، نابسامانی اوضاع بهداشتی و درمانی، بالا بودن نرخ رشد جمعیت و پایین بودن درآمد سرانه از چالش‌های این کشورها در زمینه‌ی توسعه‌ی انسانی است، و در نتیجه آنها را نسبت به رفتن به سوی اهدافی که اسلام در بلندمدت برای آنها ترسیم نموده است بی‌رُمق و ناتوان ساخته است. در حالی که اسلام در شرایط کنونی، خود بزرگ‌ترین قربانی مبارزه‌ی آمریکا با تروریسم است، اندیشه‌ی اسلامی به عنوان منبع ترور جهانی معرفی می‌شود و جهانیان را از اندیشه‌ی اسلامی بر حذر می‌دارد. علی‌رغم آن که اسلام همیشه دین عقل و

منطق و محبت و مردم داری شناخته می‌شد، به عنوان دین ترور و وحشت معرفی می‌شود. این دیدگاه که به شکل جدی مورد تبلیغ و حمایت دشمنان اسلام است از خطرناک‌ترین و جنایت‌کارانه‌ترین اعمال در حق انسانیت است (بشیر، ۱۳۸۲، ۶۲).

از این رو، تلاش برای وحدت امت اسلامی و هم‌بستگی میان آنها، که از برترین آرمان‌های دینی و عمل به فرامین الهی است، همراه با توجه و هشیاری نسبت به عوامل بیرونی ثمربخش خواهد بود. بر مبنای همین ضرورت است که برخی از اندیشمندان مسلمان به طور جد تأکید دارند که ما امروزه در عرصه‌ی فقه بین‌المللی، فقه قوانین اساسی، فقه اداری و پی‌گیری همه‌ی راه‌کارهای علمی در دنیای اقتصاد و تجارت و امور کار و کارگری به تلاشی همه‌جانبه و هوشیارانه و خستگی‌ناپذیر احتیاج داریم (غزالی، ۱۳۸۳، ۱۷۶) تا بتوانیم به اهداف کلان و بلند مدت اسلام دست یابیم. این نوشتار تلاشی در جهت دست‌یابی به وحدت امت اسلامی است.

بخش اول: مبانی، اصول و مؤلفه‌ها

مبنای وحدت اسلامی

مبنای اصلی و حقیقی وحدت امت اسلامی، دین مبین اسلام است، بنابراین، منشأ اولیه‌ی خود را از فطرت سلیم انسانی می‌گیرد، که خدای سبحان آن را در نهاد همه‌ی انسان‌ها قرار داده است. لذا تحولاتی که این دین فطری در طول حیات بشر داشته، مربوط به فروع جزئی احکام است، که از تنوع موقعیت‌های زندگی و حیات انسان در جوامع گوناگون سرچشمه گرفته است. بر این اساس اصول و مبادی کلی، که متن دین الهی و ساختار آن را شکل داده‌اند، همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند. البته این خود در گستره‌ای وسیع‌تر می‌تواند مبنای وحدت ادیان الهی نیز باشد، که تمامی پیامبران الهی علیهم‌السلام آن را به بشریت تفهیم و تعلیم و تبلیغ نمودند. ارکان و مؤلفه‌های اصلی این دین فطری، که امت اسلامی نیز باید آن را دارا باشد، از دو طریق قابل اثبات است.

الف - طریق اول: ادله ی برون دینی عقل و عرف

تلاش برای یکی شدن نیروها و گسترش توان مندی های آنها، نه تنها از برترین آرمان های دینی و عمل به فرامین الهی است، بلکه عقل پیوند عمیقی را میان آن و کرامت و عظمت امت اسلامی می بیند. بر مبنای همین ملازمه ی عقلی بین وحدت و عزت امت اسلامی است که به تعبیر یکی از اندیشمندان مسلمان:

تنها زمانی می توانیم زمام امور زندگی را به دست بگیریم و شایستگی خود را برای زمامداری و صلاحیت دین خویش برای جلب منافع و دفع مضار از همه ی بشریت، در ابعاد مختلف، به ثبوت برسانیم که در آن عرصه ها به خوبی و درستی عمل کنیم و در ارتباط با گستره های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی چشمان خود را به خوبی باز نماییم، اما قبل و بعد از همه ی آنها لازم است در ارتباط با امور عبادی به صورتی مطلوب تلاش کنیم (غزالی، ۱۳۷۳، ۱۸۱).

زیرا آنچه از مسلمات عقل است به نظر وی:

همراه با اجتهادهای فقهی طبیعی است که میان مجتهدین در ارتباط با مسائلی توافق و در رابطه با پاره ای از امور اختلاف نظر وجود داشته باشد. چنانچه در مورد مسائلی به توافق رسیدند، بسیار مطلوب است، اما چنانچه در ارتباط با مسائلی دیگر اختلاف نظر وجود داشت، بر اساس آنچه که در موردشان توافق داریم همکاری می نماییم و در ارتباط با موارد اختلاف عذر و توجیه یکدیگر را می پذیریم (همان).

بر این مبناست که وی معتقد است:

اختلاف نظر نباید بر روی محبت و دوستی تأثیر منفی بر جای بگذارد و روابط میان انسان ها را بر هم زند (همان).

به نظر ایشان، عامل اصلی بیشتر جدایی ها و تفرق ها به بیماری های روانی و درونی بازگشت دارند و افرادی که دچار چنین بیماری هایی هستند در مورد مسائلی فرعی جار و جنجال راه می اندازند، در حالی که راه حل طبیعی آن از راه

گفتگوی آرام و دلسوزانه ممکن خواهد بود. محال است این خو و خصلت وارد فضایی فقهی بشود و آن را تباه نگرداند و پیامدهای مصیبت بار آن گریبان گیر امت مسلمان نشود (همان، ۱۸۱-۱۸۲).

بی تردید در این روزهای دشواری که امت اسلامی در نگرانی و اضطراب به سر می برد، و بخش عظیمی از سرزمین های اسلامی مانند عراق و افغانستان زیر چکمه های اشغال گران غربی قرار گرفته است، و دشمن خواب خاورمیانه ی جدیدی را در سر می پروراند، تمامی منطقه در معرض تند بادی ویران گر قرار گرفته است و عقل فرمان می دهد که بیش از هر زمان دیگر ضرورت ایجاب می کند که وحدتی فراگیر و عمیق صفوف از هم جدا افتاده ی امت اسلامی را گرد هم آورد.

ب - طریق دوم: ادله ی درون دینی قرآن و روایات

در این قسمت به استدلال به آیات اکتفا می کنیم؛ بدین جهت که قرآن تنها متن درون دینی در بین تمامی فرق اسلامی است که مورد پذیرش همگان می باشد، و هیچ عذری برای انکار آن پذیرفته نیست.

قرآن بر مبنای شعار محوری توحید، بعد از نفی و نهی از علل و عوامل تفرقه افکن دور کننده از مسیر فطرت الهی، مؤمنین و مسلمین و بلکه «ناس» را دعوت به وحدت می کند. قرآن، در تأیید و نیز تأکید بر این وحدت است که به صورت ایجابی و اثباتی و امری، در تعبیر گوناگون بر آن صحنه گذاشته و حول محور توحید، به تحلیل و تبیین آن می پردازد. تعبیری که قرآن نوعاً برای وحدت به کار می برد عبارتند از: «اعتصموا»، «رابطوا»، «السلام»، «امة واحدة»، «اصلحوا»، «الف بین قلوبکم»، «اصلاح بین الناس»، «حزب الله»، «امة وسط»، و...

اصول وحدت اسلامی

پذیرش حقوق مشترک انسان ها در قرآن

در نگرش ادیان الهی، انسان موجودی است که از کرامت مخصوصی برخوردار

و مقام خلیفه‌اللهی را بر پیشانی خود دارد. قرآن کریم در آیات متعددی به این حقیقت تصریح دارد (نساء، ۱۳۵؛ اسراء، ۷۰؛ بقره، ۶۲ و ۲۹؛ حجر، ۲۲؛ رحمن، ۱۰؛ فرقان، ۴۷؛ نحل، ۱۴؛ مائده، ۸؛ روم، ۲۱).

بر مبنای همین حقوق مشترک است که در نگرش دینی برخی از بایدها و نبایدها در زمینه‌ی حقوق انسان‌ها به وجود می‌آید، که خود وسیله‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها را فراهم می‌کند. از این نگاه می‌توان آنها را از زبان قرآن این‌گونه برشمرد:

۱) حذف هر گونه امتیازات نژادی، قومی و قبیله‌ای و حفظ عزت و کرامت انسان‌ها؛

۲) حفظ حق حیات انسان‌ها؛

۳) حق برخورداری از نعمات الهی و رفع هر نوع انحصار؛

۴) حق آزادی عقیده؛

۵) حق مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم؛

۶) حق امنیت و آرامش؛

۷) حق برابری در برابر قوانین و مقررات؛

۸) حق بهره‌گیری از علم و دانش؛

۱۰) حق برخورداری از مسکن.

بر مبنای آنچه گفته شد، اگر قرآن کریم این حقوق را برای تمامی انسان‌ها در نظر گرفته است، و از این جهت میان مسلمان و غیرمسلمان فرقی نیست، پس به طریق اولی رعایت این حقوق برای پیروان دین حنیف اسلام واجب و ضروری است؛ چون اینان خود را پیرو قرآن کریم می‌دانند و از این جهت هیچ اختلافی بین آنها نیست.

به تعبیر دیگر، اگر قرآن، مسلمانان را منادی وحدت ادیان می‌داند؛ و از آنها می‌خواهد تا این پرچم را برافرازند، و بر روی نقاط مشترک خود با پیروان سایر ادیان انگشت بگذارند و از این طریق در پی همزیستی مسالمت‌آمیز باشند، پس به طریق اولی قرآن این دعوت به وحدت را برای پیروان خود خواهد داشت.

چگونه ممکن است دینی پیروانش را به وحدت با دیگر ادیان فرا بخواند، ولی نسبت به وحدت درونی پیروانش بی تفاوت باشد؟

پذیرش اختلاف مذاهب

به تعبیر دکتر نصر فرید واصل، مفتی مصر، اسلام اختلاف مذاهب را یک اصل در اندیشه‌ی اسلامی می‌داند. پیامبر ﷺ این واقعیت را تصویب کرد، وقتی فرمود:

هر کس اجتهاد کند و اجتهادش درست باشد دو پاداش می‌گیرد و هر کس اجتهاد کند و اجتهادش نادرست باشد، یک پاداش می‌گیرد.

بنابراین اختلاف آرای فقهی با وجود مذاهب گوناگون از نظر درک و برداشت واقعی است که شریعت و اندیشه‌ی اسلامی به آن ایمان دارد (خسرو شاهی، ۱۳۸۰، ۴۰).

این در حالی است که قرآن کریم از پیروان خود تعبیر به امت واحده می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء، ۹۲).

و نیز خطاب به مؤمنین می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً ... (بقره، ۲۰۸).

در جهت حفظ این سلم و برادری است که پیروان خود را از نسبت غیر مسلمان دادن به کسانی که اظهار ایمان می‌کنند بر حذر می‌دارد؛

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ آتَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا (نساء، ۹۴).

در راستای تقویت وحدت بین پیروان خود است که قرآن کریم در آیات متعددی به پیامدهای اختلاف و تفرقه پرداخته و پیروان خود را سخت از آن بر حذر داشته است؛

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا (انفال، ۴۶)؛

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران، ۱۰۵).

این آیات را می توان در چند گروه جای داد.

- آیاتی که هر گونه استهزا و سخریه و بدگویی نسبت به مسلمانان را منع می کند (حجرات، ۱۲-۱۱).
 - آیاتی که هر نوع سب و دشنام دادن را، حتی نسبت به غیر موحدان، ممنوع می داند (انعام، ۱۰۸).
 - آیاتی که گفتگو و حتی مجادله را بر مبنای روش ها و شیوه های پسندیده توصیه می کند (عنکبوت، ۴۶).
 - آیاتی که صدای بلند و جهر بسوء را، جز در مواردی که شخص مورد ظلم واقع شده است، نمی پذیرد (نساء، ۱۴۸).
 - آیاتی که امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی و امتیاز انسان های تربیت یافته ی مکتب اسلام می داند (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵).
 - آیاتی که امت اسلامی را شاهد و گواه بر دیگر امت ها می داند و آنان را الگوی دیگر امت ها می شناسد (بقره، ۱۴۳).
- علاوه بر آنچه گفته شد، از حقوق مشترک همه ی انسان ها، قرآن کریم برای پیروان خود مشترکاتی را در نظر می گیرد که بر پایه ی این مشترکات هیچ جایی برای اختلاف و نزاع در بین آنها باقی نمی گذارد، که از آنها می توان به مؤلفه های وحدت نیز تعبیر کرد.

مؤلفه های وحدت اسلامی

مؤلفه های وحدت اسلامی عبارتند از:

- ۱) ایمان به وحدانیت خدا و پرستش او؛
- ۲) ایمان به رسولان الهی ﷺ و به خصوص ایمان به خاتمیت نبی اعظم ﷺ؛
- ۳) باور به معاد و روز رستاخیز؛ (که از این سه مؤلفه تعبیر به اصول دین در نگرش هر دو گروه می شود)

۴) اشتراک در کتاب آسمانی قرآن کریم و باور به حقانیت و صدق گفتار او؛
۵) اشتراک در بسیاری از اعمال عبادی از قبیل نماز، روزه، حج، زکات، و ...
بی تردید آنچه که سبب بهره‌گیری شایسته از مؤلفه‌های وحدت در بین امت اسلامی می‌گردد، توجه و اهمیت دادن به مودت و برادری در رفتار است.

مودت و برادری در شیوه‌ی رفتار

اسلام در مورد چگونگی روابط و رفتار مسلمانان با دیگر گروه‌های غیر مسلمان تصریح می‌کند که، نه تنها نباید با نظر کینه و دشمنی به آنها نگریست. بلکه باید آنان را مورد احترام و احسان و محبت قرار داد؛ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸).

همان‌گونه که در آیه‌ی کریمه دیده می‌شود خدای سبحان از عدالت و نیکی نسبت به افراد غیر مسلمان و دوستی با آنان ستایش و تمجید می‌کند، و تنها در جایی این دوستی را برای مسلمانان نمی‌پذیرد که آنها سرستیز و دشمنی با مسلمانان را دارند و آن را به صورت تجاوز آشکار و یا خیانت پنهان ابراز می‌کنند؛ «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ» (ممتحنه، ۹).

حال وقتی قرآن کریم نزاع را حتی نسبت به پیروان ادیان دیگر نمی‌پذیرد، چگونه می‌توان پذیرفت که قرآن کریم این نزاع و درگیری را نسبت به باور دارندگان به خود پذیرا گردد. امتی که خود دچار اختلاف، نزاع و درگیری است چگونه می‌تواند منادی وحدت ادیان الهی باشد.

نتیجه‌گیری بخش اول

حقیقت تشیع و تسنن

حال بر اساس آنچه در مبانی و اصول و مؤلفه‌ها گذشت می‌توان چنین نتیجه

گرفت که:

اولا، تشیع و تسنن در واقع دو روی یک سکه هستند، زیرا هر دو واژه از یک حقیقت حکایت می‌کنند، و آن پذیرا شدن پیام الهی بدون هیچ گونه مصلحت اندیشی است. بر این اساس، تشیع، تاریخی جز تاریخ اسلام و ظهوری جز آن ندارد. همچنان که تسنن نیز خود را چیزی جز شیوه و سیره ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نمی‌داند. در تأیید بر این مطلب به جاست که به سخنی از دکتر فرید نصر واصل، مفتی مصر، که در پاسخ به استفتایی که از ایشان در رابطه با اقتدا به امامت امام شیعه ی اثنا عشری شده است پردازیم. سؤال چنین است:

خواهشمندیم که آن جناب نظر خود را در باره ی اقتدای اهل سنت به کسی که پیرو مذهب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد بیان کنید، آیا صحیح است یا نه؟ وی در پاسخ به این شخص می‌گوید:

هر مسلمانی که به خدای واحد و رسالت محمد صلی الله علیه و آله ایمان دارد و چیزی از ضروریات دین را انکار نمی‌کند و از ارکان اسلام و نماز و شروط آن آگاه است، می‌توان به او اقتدا کرد، همچنان که او می‌تواند به دیگری، اگر این شروط را دارا باشد، اقتدا کند، و این مطلب مانع آن نیست که از نظر فقهی در بعضی از مسایل اختلاف داشته باشند.

پیروان اهل بیت علیهم السلام از این گروهند و نیز ما همراه آنان پیرو خدا و رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و صحابه ی او هستیم؛ نه در اصول شریعت اختلاف است و نه در ضروریات دین، ما پشت سر آنان در تهران و قم روزی که در ظل دولت اسلامی به ایران مشرف شده بودیم، نماز گزاردیم همچنان که آنان نیز به ما اقتدا کردند. از خدا می‌خواهم وحدت این امت را تحقق بخشد و هر گونه اختلاف و نزاع در بعضی از فروع فقهی موجود را برطرف کند (همان، ۱۴۹).

بخش دوم: ضرورت ها

هشیاری نسبت به دشمن مشترک

نظم نوین جهانی، که در دهه ی نود پا به عرصه ی وجود گذاشت، با عداوتی

روشن و آشکار، اسلام را در کانون توجهات ستیزه جویانه‌ی خود قرار داد. در این راستا نیروهای بسیاری با این موضع‌گیری در ساختار نظم نوین جهانی گرد هم آمدند. آمریکا نیز در مقام نگهبان اصلی جهان در رأس این موضع‌گیری قرار گرفت. در همین راستا، رسانه‌های غربی، در بهترین شرایط ممکن، مسلمانان را به حاشیه نشینی و انزوا فرامی‌خوانند، و یا تصویری احساساتی از آنها ارائه می‌دهند، و در بسیاری اوقات، از روی عمد و شرارت، صورت تحریف شده‌ای از مسلمانان به نمایش می‌گذارند. به تعبیر نویسنده‌ی کتاب پست مدرنیسم و اسلام حتی نویسندگان غیر مسلمان که در صدد برآیند که با اسلام و مسلمین ابراز همدردی کنند مورد انتقاد و نکوهش دائم غربی‌ها قرار می‌گیرند (احمد، ۱۳۸۰، ۹۱).

دفاع از حقایق اسلامی

در چنین شرایطی است که ندای عدالت طلبی و علم‌اندوزی اسلام، خواه در عرصه‌ی سیاست و خواه در حوزه‌ی درس و دانشگاه، در طنین هیاهوی خشونت طلبان و آمران به نفرت ورزی هرگز به گوش نمی‌رسد. در این زمینه دو پرسش مهم، و البته آمیخته با مفاهیم تلویحی فراگیر، در دو بعد کوتاه مدت و بلند مدت پیش می‌آید. نخست این که «آیا اسلام، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین تمدن‌های جهان، نمی‌تواند بدون تشبث به خشونت مشکلات موجود را حل و فصل نماید؟» ثانیاً، «آیا مسلمانان مفاهیم مهم قرآنی نظیر عدل، احسان و علم و حلم را با گلوله و تفنگ و بمب عوض می‌کنند؟».

این در حالی است که اسلام در شرایط کنونی، خود بزرگ‌ترین قربانی مبارزه‌ی آمریکا با تروریسم است. در حال حاضر اندیشه‌ی اسلامی به عنوان منبع ترور جهانی معرفی می‌شود و جهانیان را از اندیشه‌ی اسلامی بر حذر می‌دارند. اسلام که همیشه دین عقل و منطق و محبت و مردم‌داری شناخته می‌شد، به عنوان دین ترور و وحشت معرفی می‌شود. به تعبیر برخی از

پژوهش‌گران، این دیدگاه که به شکل جدی مورد تبلیغ و حمایت دشمنان اسلام است از خطرناک‌ترین و جنایت‌کارانه‌ترین اعمال در حق انسانیت است (بشیر، ۱۳۸۲، ۶۲).

رسانه‌های غربی با یورش‌های بی‌امان توانسته‌اند تاکنون تصویر منفی و ناخوشایندی از دین اسلام را در اذهان برخی جا‌بی‌اندازند؛ چه بسا بتوانند پاسخ به این دو پرسش را به عنوان امری مسلم در اسلام قرار دهند (ر.ک. به: احمد، ۱۰۷-۱۰۸).

به هر تقدیر این آن چیزی است که امت اسلامی امروز در برابر آن قرار گرفته است و چاره‌ای جز تن دادن به یکی از دو گزینه‌ی پیش روی خود ندارد؛ یا باید به آن چه استکبار جهانی در پی تحمیل آن است تن در دهد و در پی آن، همه‌ی زبونی‌ها را پذیرا شود، یا به آغوش قرآن و دین حنیف اسلام برگردد و دست از تفرقه و جدایی بردارد، و در پی آن عزت و آقایی خود را کسب کند و خود را به این باور برساند که:

دشمنان اینان، [شیعه و سنی] دشمنان ما هستند، نه به این جهت که ما شیعه یا سنی هستیم بلکه به حکم این که همه‌ی ما مسلمانیم و در اهداف و اصول اسلام اتفاق داریم و اصول و هدف‌های اسلام، تمام مسلمانان را زیر یک پرچم جمع می‌نماید (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۷، ۱۹).

حمایت از نظام نوپای اسلامی در ایران

اگر امروز لبه‌ی تیز حملات دشمن متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران، که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهد است، نه به این جهت است که اینان دوست‌دار اهل سنت و دشمن تشیع هستند، بلکه همان گونه که برخی از نظریه پردازان صهیونیستی مانند «ابا ابان» اظهار می‌دارد بدین جهت است که:

انقلاب اسلامی فصل جدیدی در تاریخ ایده‌هاست و این ایده‌ها به ویژه در خاور میانه شیوع یافته است و پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیان‌گر پیروزی

این ایده‌ی شایع و رایج است که برای مسلمان تحقیر شده‌ی تحت ستم به صورت یک الگو در آمده است (بی‌نا، ۱۳۸۲، ۲۰).

بنابراین، تمامی مسلمانان باید افتخار کنند که نظام اسلامی در ایران توانسته هم از جهت نظری و هم از جهت عملی با فراخوانی امت اسلامی در زیر یک پرچم، آن هم پرچم اسلام، گامی بلند را در جهت وحدت امت اسلامی بردارد و در نتیجه جهان اسلام و مسلمانان «تحقیر شده‌ی تحت ستم» را از این تیره روزی برهاند و این همان چیزی است که دشمنان اسلام و مسلمین به شدت از آن نگرانند. لذا سعی در ایجاد جدایی و تفرقه بین مسلمین را دارند. بر مبنای شعار «تفرقه بیانداز و حکومت کن» است که کارتر رئیس جمهور اسبق امریکا در بازدیدی که از چند کشور شورای همکاری خلیج فارس، در نوامبر ۱۹۸۶، داشت به آنها چنین توصیه می‌کند:

کشورهای شورا باید قدرت خود را در برابر جمهوری اسلامی ایران افزایش داده، با کشورهای غربی همکاری نمایند (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰، ۹۳).

اگر می‌بینیم که جرج بوش رئیس جمهور فعلی امریکا با صراحت، انزوای ایران را درخواست می‌کند، ترس او از این است که مبادا در پناه وحدت امت اسلامی، مسلمانان به شوکت و عزت از دست رفته‌ی خود دست یابند. اخیراً برخی از مقامات آمریکایی فاش کرده‌اند که پروژه‌ی تفرقه‌افکنی میان شیعه و سنی را به عنوان یکی از اهرم‌های مؤثر برای مقابله با نهضت‌های اسلامی مخالف امریکا و اسرائیل در دستور کار خود قرار داده‌اند، لذا یکی از مؤسسات آمریکایی در گزارش خود به کاخ سفید در ژوئن ۲۰۰۶ آشکارا بر ضرورت اختصاص بودجه برای این تفرقه‌افکنی تأکید می‌کند (کیهان، ۱۳۸۵، ۲).

دوری و پرهیز از حمایت از جریان‌های افراطی و خشونت طلب
تسلط استعمارگران غرب و چپاول سرزمین‌های اسلامی در طول سالیان متمادی، پیامدها و زیان جبران ناپذیری را برای امت اسلامی در پی داشت. از مهم‌ترین



آنها می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- از بین رفتن یکپارچگی و وحدت امت اسلامی؛
- پیدایش و رشد تعصبات ناسیونالیستی؛
- ایجاد اختلاف فرقه‌ای و گروهی و دامن زدن به آنها.

نقش نظام‌های سلطه‌جو در ایجاد گروه‌های خشونت خواه

برخی از محققان بر آنند که انگلستان نقشی اساسی در تقویت جریان‌های افراطی و خشونت طلب مانند طالبان را دارد. به طور نمونه پرویز ورجاوند انگلستان را «سکاندار» ماجرای طالبان می‌داند (ر.ک. به: ورجاوند، ۱۳۷۷، ۱۱۲). محمد ترکمان معتقد است که اکثر جریان‌های افراطی اسلام گرا، که چهره‌ی معتدل اسلام را تیره می‌کنند از سوی انگلستان حمایت می‌شوند (ترکمان، ۱۳۷۷، ۲۲). گروهی دیگر از محققان، از جمله محمد پهلوان، به نقش آمریکا در روی کار آمدن جریان‌های خشونت طلبی همچون طالبان پرداخته و می‌نویسد:

آمریکا در جریان جهاد، به مجاهدین افغانستان در برابر شوروی کمک می‌داد. حکومت مجاهدین که در کابل بر پا شد به سبب پی‌گیری سیاست‌های ملی نتوانست از حمایت آمریکا بهره‌مند شود. از این رو آمریکا به سازماندهی نیروی اسلامی دیگری اندیشید که هم منافعش را تأمین کند، و هم از حمایت عربستان و پاکستان برخوردار باشد. این نیروی بدیل، چیزی نبود جز طالبان (پهلوان، ۱۳۷۷، ۹۹).

این در حالی است که گروه طالبان یک گروه بسیار خشونت گرا و متعصب مذهبی است، که اعضای آن تحت تأثیر آموزش‌هایی که در دوران تحصیل خود دیده‌اند، جنبه‌ی ضد شیعی تعالیم آنها و قلمداد نمودن شیعیان به عنوان عناصر «رافضی» و خارج از دین، امری آشکار است (ر.ک. به: بی‌نا، ۱۳۷۷، ۴۹).

نتیجه‌گیری بخش دوم

حال باتوجه به آنچه گذشت، آیا همین مقدار دشمنی آشکار غرب با جهان اسلام

کافی نیست تا امت اسلامی را از خواب غفلت بیدار کند تا دست از تفرقه و جدایی بردارند؟ در غیر این صورت باید این پیامدها را پذیرا باشد:

- از هم بریدن و به سمت جدایی گام برداشتن؛

- بذر و تخم نفاق را در سینه‌ها پروریدن؛

- کینه‌ی یکدیگر را در دل داشتن؛

- دست از یاری یکدیگر برداشتن؛

- به جنگ و نزاع و غارت یکدیگر پرداختن؛

- به ضعف و زبونی دچار شدن؛

- سلطه‌ی بیگانگان را پذیرفتن (ر.ک. به: شهیدی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۲).

بخش سوم: راهبردها

زمینه‌های عملی وحدت

در بعد فرهنگی

اهمیت دادن به فرهنگ اسلامی

آنچه مسلم است، و تاریخ نیز گواه بر آن است، این است که با وجود حاکمیت فرهنگ غنی اسلامی جایی برای حضور و چپاول سرمایه‌ها در سرزمین‌های اسلامی برای چپاول‌گران باقی نمی‌ماند. از این رو، تلاش بی‌وقفه‌ی استعمار در کشورهای اسلامی، برای نابودی هویت فرهنگی مسلمانان بوده است. کشورهای استعماری، با توجه به شناخت فرهنگ اسلامی، کوشیده‌اند به هر شکل ممکن بین مسلمین و فرهنگ شان جدایی اندازند. در این زمینه تا اندازه‌ای موفقیت‌هایی را نیز به دست آورده‌اند. لذا می‌بینیم برخی از دولت‌مردان در جهان اسلام در برنامه‌های خود تعالیم و فرهنگ اسلامی را از یاد برده، و به راه کارهای غربی متوسل می‌شوند. از این رو می‌طلبند که جهان اسلام با روی آوردن به فرهنگ غنی خود در پی احیای ارزش‌های والای اسلامی بر آید (ر.ک. به: بوازار،

۲۵۳-۲۵۴).

بی هویتی انسان مدرن و سردرگمی او به جهت پشت کردن به دین، که از ویژگی های عصر جدید است، می باشد. همان گونه که بسیاری از اندیشمندان غربی، از جمله «استیس»، بر آن تصریح دارند:

آشفته گی و سرگردانی انسان در جهان مدرن ناشی از فقدان ایمان و دست برداشتن از خدا و دین است (استیس، ۱۳۸۲، ۱۰۹). در حالی که آنچه به زندگی معنا می بخشد، دین و ارزش های برگرفته از آن است. از رهگذر این ارزش ها زندگی دارای معنا می شود (ر. ک. به: نینیان، ۱۳۸۲، ۱۹۲ و بگوویچ، ۱۳۷۴، ۸۷-۹۰).

بنابراین، تلاش برای احیای ارزش های اسلامی در قالب همکاری های همه جانبه در زمینه های ذیل ضروری است:

(۱) توجه به تعلیم و تربیت بر مبنای ارزش های الهی؛
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه، ۲).

(۲) فراگیری علم و دانش و مبارزه با جهل و بی سوادی؛
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (مجادله، ۱۱).
با همه ی اهمیت و توجهی که اسلام نسبت به دیگر مکاتب، در رابطه با علم و دانش، نشان داده است، اما در زمینه ی سواد (اگرچه میانگین نرخ بی سوادی در کشورهای اسلامی از دهه ی ۱۹۸۰ تا کنون رو به بهبود بوده است) هنوز بیش از نیمی از جمعیت کشورهای اسلامی بی سواد یا کم سوادند. اهمیت این مسأله وقتی بیشتر دانسته می شود که بدانیم میانگین نرخ باسوادی در کشورهای اسلامی حتی از میانگین نرخ باسوادی در کشورهای در حال توسعه نیز کم تر است (ر. ک. به: منشی زاده، ۱۳۷۸، ۱۴۱).

(۳) اهمیت دادن به شعائر اسلامی و بزرگ شمردن آنها؛
وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج، ۳۲).
مسلمین با تجمع در اجتماعات عظیم حج و حضور در نمازهای جمعه و

جماعات و تبادل افکار می‌توانند نقش مهمی را در حفظ دین از بدعت‌ها و سنت‌های ناروا داشته باشند (اسدآبادی، بی‌تا، ۱۲۱).

(۴) توجه به فضائل اخلاقی و دوری از منکرات؛

از الفبای فضائل اخلاقی در اسلام رعایت ادب در گفتار است.

آنچه مسلم است یکی از راه‌های ایجاد اتحاد و پیش‌گیری از اختلاف و پراکندگی، رعایت ادب در گفتار و نوشتار است؛ به گونه‌ای که شخصیت افراد در گفتار و نوشتار خدشه‌دار نگردد. سخن هر قدر که از حقانیت برخوردار باشد، وقتی که در قالب تحقیر و توهین به افراد همراه گردد، نه تنها از اثرگذاری خواهد افتاد، بلکه، به عکس، طرف مقابل را وادار به واکنش و عکس‌العمل خواهد نمود، در نتیجه سودی را عاید طرف نخواهد کرد. بدین جهت است که قرآن کریم در آیات متعددی به پیروان خود توصیه می‌کند که از زبان به زشتی و درشتی گشودن پرهیزند، و زبان به نیکی و خوبی باز گشایند. بر مبنای همین حقیقت قرآنی است که علی علیه السلام با استناد به سخنی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «و لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا یستقیم ایمان عبد حتی یستقیم قلبه و لا یستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه» (شهیدی، ۱۳۷۹، ۱۸۳)، و در فرازی دیگر، خود چنین نتیجه می‌گیرد: «ان من العبادۃ لین الکلام» (آمدی، ۱۳۶۰، ۴۹۷).

و آثار مترتب بر آن را مجذوب نمودن دل‌ها و کم کردن کینه‌ها و دشمنی‌ها می‌داند (ر. ک. به: همان، ۳۲۹، ۱۹۵ و ۲۶۶).

و در فرازی دیگر در رابطه با پیامدهای این گونه سخنان می‌فرماید: «رب حرب جنیت من لفظة» (همان، ۶۶)؛ چه بسا جنگی که از گفتن سخنی بر پا می‌شود.

کم‌ترین پیامدی که این گونه سخنان دارد، کاستن ارزش انسان و از بین بردن اتحاد و برادری است (همان، ۱۴۴).

(۵) اهمیت دادن به سرمایه‌های انسانی و توان‌مندی‌های او؛

از آنجا که یکی از عوامل مهم و اثرگذار در فرایند توسعه، نیروی انسانی

است، طبیعی است که جوامعی که سرمایه‌ی انسانی بیشتری دارند و از این سرمایه‌ها به شیوه‌ی مطلوب بهره می‌گیرند، بتوانند به سطوح بالاتری از رفاه اجتماعی دست یابند. کشورهای اسلامی در رابطه با رفاه اجتماعی در سطوح پایینی نسبت به دیگر کشورها قرار دارند. به عنوان مثال در زمینه‌ی شاخص‌های بهداشتی - درمانی، کافی است به شاخص امید به زندگی، که از مهم‌ترین شاخص‌هاست، توجه کنیم. این شاخص که در واقع بیان‌گر برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی، غذا و حتی درآمد و رفاه اجتماعی است، بر مبنای گزارش سازمان ملل، میانگین آن در کشورهای اسلامی پایین‌تر از شصت سال است. در حالی که این رقم در کشورهای جهان سوم به شصت و پنج سال و در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی به هفتاد و هشت سال می‌رسد (همان، ۱۴۳).

از این رو می‌طلبند که جهان اسلام با بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی خود به جایگاهی که در خور شأن مسلمین است دست یابد.

۶) توجه به اجتهاد و نوگرایی؛

به طور کلی روش و شیوه‌ای که قرآن کریم در فرود آمدن آیات آن بر رویدادهای اتفاق افتاده، پی‌گیری می‌کند، پرده از روش علمی مستحکمی بر می‌دارد که بیان‌گر ارتباط تنگاتنگ قانون‌گذاری با حوادث و نیازهای موجود جامعه دارد (ر.ک. به: میلاد، ۱۳۸۱، ۱۲۰).

بدین جهت می‌بینیم قرآن کریم در دوران بیست و سه ساله‌ی دعوت خود هیچ‌گونه خلأ قانون‌گذاری باقی نگذاشت و به همه‌ی نیازهای جامعه‌ی اسلامی پاسخ مناسب گفت.

امروزه جهان اسلام بیش از هر زمان دیگر، با توجه به عقب ماندگی‌های آن، نیاز به هم‌فکری و هم‌گرایی در پاسخ به نیازهای زمانه و به اجتهاد و نواندیشی در تمامی گستره‌های اجتماعی دارد، تا با مسائل دنیای معاصر همراه گردد و جهان اسلام را به سوی افق‌های رشد همه‌جانبه برانگیزاند.

إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (کهف، ۳۰).

در بعد اقتصادی

این بعد از دو جهت مورد توجه و حائز اهمیت است.

الف - بهره‌گیری از آن به عنوان ابزار دیپلماسی

توجه به اهمیت فزاینده‌ی اقتصاد در عصر حاضر است که محور اصلی بازی و رقابت قدرت‌های سلطه‌گر را تشکیل می‌دهد. از این رو، بهره‌گیری از ابزار اقتصادی دیپلماسی از اهمیت جدی برخوردار است. از طریق به کارگیری این ابزار است که کشوری را می‌توان وادار یا تشویق به رفتار خاص یا استمرار آن، و یا اتخاذ مواضع خاص نمود (ر.ک. به: سجادی، ۱۳۸۱، ۱۷۸).

اهمیت داشتن مسائل اقتصادی چیزی است که بی‌شک بسیاری از جنگ‌ها و نزاع‌ها را در طول تاریخ بشر در پی داشته است. حتی امروزه بشر با همه‌ی پیشرفتی که، به ظاهر، در مسائل انسانی نموده و از این جهت خود را صاحب افتخار می‌داند، اما با وقاحت آشکار آنهایی که خود را کدخدای این جهان معرفی می‌کنند برای حفظ منافع نامشروع خود حاضرند جنگ‌های عظیمی به راه اندازند و در این راه از انجام هیچ جنایتی هم ابائی ندارند. به عنوان نمونه به بیان سخنان دیک چنی در این رابطه توجه می‌کنیم:

امریکا نباید خود را محدود به پیمان‌ها و معاهدات کند، بلکه باید فقط

بر اساس منافع خود تصمیم‌گیری نماید (ر.ک. به: فرزین، ۱۳۸۲، ۱۶۸).

بی‌تردید منابع عظیم و گوناگون ثروتی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد، سبب شده است که گردن‌ها به سوی این سرزمین‌ها کشیده شود و جنگ و نزاع را در این سرزمین‌ها شعله‌ور سازد، و مسلمین را درگیر فتنه‌های گوناگون کند. تنها راه مبارزه با این گردن‌کشی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها تعاون و همکاری مسلمین با یکدیگر است. بر این اساس است که قرآن مسلمین را دعوت به تعاون و همکاری و هم‌گرایی با یکدیگر می‌کند؛ «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده، ۲).

ب - مبارزه با فقر و تهیدستی؛

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ» (بقره، ۱۷۷).

بررسی‌ها نشان از آن دارد که فقر و تهیدستی از چالش‌های اساسی در جهان اسلام است. به حدی که در رابطه با نرخ رشد درآمد سرانه در کشورهای اسلامی می‌توان گفت، بیش از نیمی از این کشورها دارای نرخ رشد درآمد سرانه‌ی منفی هستند. این خود بیان‌گر میزان شدت فقر عمومی حاکم بر این کشورهاست (ر.ک. به: یاسوری، ۱۳۸۴، ۲۰۵). براین اساس توجه به فقر زدایی و عمران و آبادی و تمدن‌سازی بر مبنای هویت دینی امری ضروری به نظر می‌رسد.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱).

در بعد سیاسی

- رد پذیرش هر نوع سلطه‌ی سیاسی بیگانه؛

«وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود، ۱۱۳)

- پرهیز از به‌کارگیری مستشاران خارجی در تشکیلات مهم سیاسی؛

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ...» (آل عمران، ۱۱۸).

- خاموش نمودن آتش نزاع‌هایی که ممکن است در بین آنها به وجود آید،

توسط خودشان؛

«وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...» (حجرات، ۹-۱۱).

در بعد نظامی

بستن پیمان‌های نظامی و تشکیل ارتشی نیرومند برای دفع هرگونه تجاوز از

سرزمین‌های اسلامی؛

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

عَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰)؛

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال، ۷۲)؛ «وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ...» (نساء، ۷۵).

نتیجه‌گیری بخش سوم

از آنجا که اسلام با ارائه‌ی فکر و ایده‌ای روشن و آشکار و قابل پذیرش، با دعوتی که در واقع پاسخ به همه‌ی نیازهای مادی و معنوی انسان است، و با فرو کوبیدن تمامی خود خواهی‌ها و خود کامگی‌ها، در پی اثبات این حقیقت است که انسانیت یک عنصر است و دارای یک نیاز و یک هدف، و لذا بارشده‌ی دادن به همه‌ی خصلت‌های مثبت و سازنده در انسان و بالاخره با دمیدن روح امید و اطمینان و سکینه در جمع پیروان خود و ارائه‌ی طرح روشن و بی‌ابهامی از آینده‌ی قطعی و از تعالی و تکاملی که در انتظار آنان است، از پیروان خود واحدی پیوسته و استوار می‌سازد، و راه را برای کارکرد این سنت الهی که هر جمع پیوسته و استوار - اگر چه اندک - بر هر گروه گسسته و ناپایدار - اگر چه انبوه - پیروز است، را فراهم می‌سازد؛ «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹). به تعبیر مقام معظم رهبری:

اینجا اردوگاه آدمی صورتان جهان خوار و دنیا پرستان خود خواه و خود کام نیست تا مصلحت اندیشی‌های اختصاصی و تصفیه حساب‌های شخصی مطرح گردد. همه با هم و مانند هم تشنه‌ی برقراری عدل اند و عاشق جهانی سرشار از صفا و مهربانی... و بالاتر از آن، میدان تلاش و حرکت گرویدگانی است که رضای خدا و نعیم زندگی جاودانه را پذیرفته اند تا به بهای آن حتی از جان شیرین بگذرند... و چنین است حل مشکل «وحدت نیاز» در دستگاه نبوت‌ها... (خامنه‌ای، بی تا، ۴۲).

نتیجه‌گیری نهایی

از آنچه گذشت می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱) در پاسخ به پرسش اصلی و محوری مبانی و ضرورت‌های وحدت امت اسلامی، به این نتیجه رسیدیم که دینی که خود مبلغ و مشوق خیر و نیکی، اتحاد و اتفاق، صلح و صفا، بردباری و گذشت نسبت به پیروان سایر ادیان الهی می‌باشد، برای پیروان خود به طریق اولی نمی‌پذیرد که دچار تفرقه، بدبینی و سوء تفاهم، درگیری و نزاع، تحقیر و تضعیف یکدیگر باشند.

هم بر مبنای ادله‌ی برون دینی، مانند عقل و عرف، و هم بر مبنای ادله‌ی درون دینی، مانند آیات و روایات، نمی‌توان پذیرای تفرقه و جدایی بود.

۲) در بخش ضرورت‌ها به این نتیجه رسیدیم که:

با پایان یافتن جنگ سرد و از پا افتادن دشمن مشترک لیبرال دموکراسی غرب، این نگرانی به طور جدی پدید آمد که در سایه‌ی نبود یک دشمن مشترک، ممکن است یکپارچگی جهان غرب به مخاطره افتد و در اثر نداشتن یک رقیب، تمدن غرب پویایی خود را از دست بدهد و در نتیجه دوران افول آن آغاز شود. از این رو «برخورد تمدن‌ها»، نه به عنوان یک نظریه‌ی علمی، بلکه به عنوان طرحی برای استقرار نظم نوین جهانی مطرح شده است، زیرا با نبود یک رقیب سیاسی قدرت‌مند و دشمن واقعی، باید «تهدید اسلامی» را برجسته نمود تا از این طریق بتوان یکپارچگی تمدن غربی و پویایی آن را نگه داشت.

۳) در همین راستا، در حالی که اسلام در شرایط کنونی، بزرگ‌ترین قربانی مبارزه‌ی آمریکا با تروریسم است. اندیشه‌ی اسلامی به عنوان منبع ترور جهانی معرفی می‌شود، و جهانیان را از اندیشه‌ی اسلامی بر حذر می‌دارند.

۴) تفرقه و جدایی و درگیری و نزاع در بین فرق اسلامی خود بهترین دست‌آویزی است که از آن طریق می‌توان این اتهام را به اسلام نسبت داد و دینی را که همیشه دین عقل و منطق و محبت و مردم‌داری شناخته می‌شد، به عنوان دین ترور و وحشت معرفی نمود.

۵) از آنجا که هدف کلان و بلند مدت اسلام و هدف غایی و نهایی اسلام، که به

صورت مجموعه‌ای از اهدافی است که تشریح قوانین و احکام اسلامی، انزال کتب آسمانی و ارسال پیامبران الهی علیهم‌السلام در راستای آن شکل گرفته است، چیزی جز سعادت و کمال بشری نیست.

بر این اساس جهان اسلام در برابر آنچه که به عنوان هدف بلند مدت در پیش رو دارد، که هیچ یک از فرق اسلامی که خود را پیرو قرآن کریم می‌داند نمی‌تواند در آن تردید روا دارد، با وجود چالش‌های موجود که هر روز ممکن است بر این چالش‌ها افزوده شود، جایی برای تفرقه و جدایی و آهنگ انزواطلبی باقی نمی‌ماند، زیرا در غیر صورت امکان دستیابی به آن اهداف هرگز میسر نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نینیان، اسمارت (۱۳۸۲)، حقیقت دین ابعاد چندگانه‌ی معنا، ترجمه‌ی، عبدالرسول کشفی، نقد و نظر، شماره‌ی ۳۰-۳۱.
- ۳) استیس، والتر. تی (۱۳۸۲)، در بی‌معنایی معنا هست، ترجمه‌ی اعظم پویا، نقد و نظر، شماره، ۲۹-۳۰.
- ۴) بوازار، مارسل (۱۳۶۱)، اسلام در جهان امروز، ترجمه‌ی، د. م. ی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵) میلاد، زکی (۱۳۸۱)، اندیشه‌ی اسلامی معاصر قسمت دوم، ترجمه‌ی، محمد جمعه امینی، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره، ۲۰.
- ۶) بی‌نا (بی‌تا)، پیام وحدت، مشهد، اداره‌ی کل ارشاد اسلامی خراسان.
- ۷) سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۱)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (۲)، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره، ۲۰.
- ۸) ارغون، محمد (۱۳۸۱)، ماهنامه‌ی گزارش گفتگو، سال اول، شماره‌ی .
- ۹) بشیر، حسن (۱۳۸۲)، جهان پس از یازدهم سپتامبر: وضع مسلمانان در

- غرب، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۱۸۹ - ۱۹۰ .
- ۱۰ (منشی زاده، رحمت الله (۱۳۷۸)، جهان اسلام و تحولات ساختاری، تهران، نشر مسعی.
- ۱۱ (ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، بحران دیپلماسی ایران و پیامدهای آن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۱۲۷ - ۱۲۸ .
- ۱۲ (ترکمان، محمد (۱۳۷۷)، طالبان کیستند، نشریه‌ی ایرانیان، شماره‌ی ۲۲ .
- ۱۳ (پهلوان، چنگیز (۱۳۷۷)، گفتاری دیگر پیرامون تداوم بحران مشروعیت در افغانستان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۱۲۷ - ۱۲۸ .
- ۱۴ (بی‌نا (۱۳۷۷)، مدارس مذهبی در پاکستان، ماهنامه‌ی صفحه‌ی اول، شماره ۵۲ .
- ۱۵ (بگوویچ، علی عزت (۱۳۷۴)، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ترجمه سید حسین سیف‌زاده، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۱۶ (نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰)، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۷ (اسد آبادی، سید جمال الدین (بی‌تا)، عروة الوثقی، ترجمه‌ی زین العابدین کاظمی، تهران، انتشارات حجر، ج ۱ .
- ۱۸ (آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، غررالحکم و دررالکلم، تهران، جامعه.
- ۱۹ (یاسوری، مجید (۱۳۸۴)، توسعه‌ی انسانی در کشورهای اسلامی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی، ۲۱۹ - ۲۲۰ .
- ۲۰ (فرزین، محمد علی (۱۳۸۲)، تهاجم به عراق، جهانی سازی با قرائت امریکایی، اندیشه حوزه، شماره‌ی ۴۰ .
- ۲۱ (شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفدهم.